

مصادیق گونه‌گون آیه در قرآن

منصور پهلوان*

استاد دانشگاه تهران

مهديه دهقانی**

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۰۹)

چکیده

واژه «آیه» در قرآن کریم درباره موضوعات مختلف، مانند آیات قرآن، معجزات انبیاء و پدیده‌های طبیعی و ... به کار رفته است. در پاسخ به این پرسش که از منظر قرآن، چه پدیده‌هایی و با در نظر گرفتن چه ویژگی‌هایی، «آیه» است، شانزده پدیده طبیعی را می‌یابیم که در قرآن کریم به عنوان «آیه» معرفی شده‌اند. برخی از این پدیده‌ها، مانند آسمان‌ها و زمین بارها در قرآن به عنوان «آیه» معرفی شده‌اند و به «آیه» بودن برخی، مانند لباس و همسر تنها یک بار اشاره شده است. برای درک «آیه» بودن پدیده‌های مختلف، غالباً توجه به ارتباطی که یک پدیده با دیگر امور و پدیده‌ها دارد، ضروری است و این ارتباط عموماً ارتباط علی و معلولی است. در قرآن کریم مکرراً در «آیه» خواندن امور مختلف به این امر توجه داده شده که اولاً سررشته نظام علی و معلولی در دست خداوند است و ثانیاً این نظام به گونه‌ای طراحی شده که سود و منفعت آدمی را در پی دارد. در بسیاری از آیات که پدیده‌ای طبیعی به عنوان «آیه» معرفی شده، کلمات مربوط به حیطة آسمان به کار رفته است و بر این اساس، می‌توان گفت کاربرد کلمه «آیه» در حوزه پدیده‌های طبیعی ارتباط تنگاتنگی با مفاهیم سماوی دارد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، آیه، پدیده‌های طبیعی، نظام علی و معلولی.

* E-mail: pahlavan@ut.ac.ir

** E-mail: mdgh.2011@gmail.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

«آموزه‌ها و معارف» قرآن، الهی و وحیانی است و افزون بر معانی قدسی، «الفاظ» نیز حاصل انتخاب الهی است. بی‌گمان واژگان قرآن به گونه‌ای انتخاب شده که در نهایت ایجاز، مراد پروردگار را بی‌کم و کاست انتقال دهند.^۱ کلمه قرآنی «آیه» نیز از این قاعده مستثنی نیست و در واقع، بر این اساس، می‌توان گفت کلمه «آیه» از میان ده‌ها واژه ممکن، برای رساندن پیام و معنایی خاص برتر بوده است و در نتیجه، گزینش شده است. آنچه بر اهمیت گزینش قرآنی این واژه می‌افزاید، فراوانی تکرار آن در جای جای قرآن است، به گونه‌ای که تکرار فراوان واژه، آن را به یکی از واژگان کلیدی و محوری در قرآن تبدیل کرده است^۲ و امور و موضوع‌های متنوع و گوناگونی با مفهوم آن پیوند خورده است. تنوع کاربرد کلمه «آیه» در موضوع‌های مختلف به گونه‌ای است که از دیرباز تا به امروز، «معانی» گوناگونی برای این واژه در قرآن در نظر گرفته شده است. نشان آنکه نخستین صاحب کتاب وجوه و نظائر، مقاتل سلیمان (م. ۱۵۰ ق.)، دو وجه معنایی برای واژه «آیه» بیان کرده است^۳ (ر.ک؛ ابن سلیمان، ۱۴۲۷ق.: ۱۲۹-۱۲۸) و محقق معاصر، آذرنوش، در مدخل آیه در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* درباره این واژه نوشته است: «لفظ آیه ... همین که وارد قرآن می‌شود، ده‌ها معنی تازه می‌یابد» (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۷۵). باید توجه داشت که همه معانی مختلف که در قالب «وجوه معنایی» برای کلمه‌ای بیان می‌شود، با توجه به «سیاق و بافت سخن» (ر.ک؛ نوپا، ۱۳۷۳: ۹۶) و بدون در نظر گرفتن ریشه و اشتقاق است؛ به عبارت دیگر، واژه «آیه» در قرآن کریم در سیاق سخن از موضوعات مختلف آمده است و در نتیجه، بر امور گوناگونی اطلاق شده است. برای مثال در قرآن کریم گاه مراد از «آیه»، «بخشی از قرآن» است و در واقع، این واژه یک ارجاع «درون‌متنی» محسوب می‌شود و به امری خارج از خود متن ارجاع نمی‌دهد. مراد از کلمه آیه در نخستین سوره نازل شده و در واقع، در نخستین کاربردهای قرآنی این واژه در قرآن همین معناست: ﴿إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ (القلم/۱۵)؛ ﴿كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا﴾ (المدثر/۱۶)^۴ و پس از آن نیز بارها مراد از آن، «آیات قرآن» بوده است.

کلمه «آیه» علاوه بر آنکه گاه به معجزه پیامبر اسلام^(ع) یعنی آیات قرآن اشاره دارد، گاه بر «معجزات انبیای دیگر» نیز اطلاق شده است (ر.ک؛ آل عمران/۴۹؛ الأعراف/۷۳؛ الرعد/۳۸؛ طه/۵۶ و الزخرف/۴۶). بدین ترتیب، این واژه برای اشاره به «قرآن کریم» و نیز «معجزات دیگر انبیاء»، «گزینش» شده است و معنایی که از آن فهمیده می‌شود، برای اشاره به یک صفت و ویژگی در این امور ماورای طبیعت مناسب دانسته شده است و این همان نکته‌ای است که پژوهشگران با مقایسه معنای کلمه «معجزه» با واژگانی مانند «آیه» و «بینه» بدان اشاره کرده‌اند و به معنی مثبت «دلالت و هدایت» در این واژگان نسبت به معنی منفی «ناتوان ساختن و عاجز کردن» در واژه «معجزه» توجه داده‌اند.^۵ کلمه «آیه» علاوه بر اطلاق بر این امور مهم و نقش آفرین در نظام هدایت الهی بشر، در یکی دیگر از کاربردهای قرآنی خود بر «پدیده‌های طبیعی» اطلاق شده است. این کاربرد از جمله کاربردهای «پرتکرار» این واژه در قرآن است (ر.ک؛ نجفیان و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

این حقیقت که مکرراً شماری از پدیده‌های طبیعی از منظر الهی، بسان «قرآن و معجزات انبیای دیگر»، «آیه» خوانده شده‌اند، این سؤال را به ذهن می‌رساند که چه ویژگی خاصی در این پدیده‌های متنوع و مختلف - که عموماً دیدن آنها به شکل روزمره در آمده است - وجود دارد که سبب شده همه آنها به سان معجزات انبیاء، «آیه» باشند؟ پاسخ به این پرسش مشخص می‌کند از منظر قرآن، داشتن چه نوع نگاهی به پدیده‌های طبیعی، آنها را به «آیه» تبدیل می‌کند. پاسخ مورد نظر از یک سو، در بُعد فردی به ما کمک می‌کند، آنگاه که به دامن طبیعت می‌رویم یا در زندگی روزمره با پدیده‌های طبیعی همچون باد، باران و ... مواجه می‌شویم، از چه زاویه‌ای و چگونه به پدیده‌های طبیعی نگاه کنیم تا آیه بودن آنها را به جان دریابیم و از نگاهی سطحی به آنها فراتر رویم و ماورای آنها را بنگریم! از سوی دیگر، پاسخ به این سؤال در بُعد آموزش و فرهنگ‌سازی راهنماست و به ما می‌نماید که در آموزش جوانان و در رسانه‌ها، چگونه باید پدیده‌های طبیعی به تصویر کشیده شود تا آن ویژگی که موجب آیه بودن آنها شده است، بیان شده باشد؛ مثلاً آیا به تصویر کشیدن زیبایی یک گل در بهاران و یا عظمت آسمان در شب و یا تصویرگری غروبی پاییزی آیه بودن پدیده‌های طبیعی را نشان می‌دهد؟! در جستجوی پاسخ این پرسش، ابتدا مشخص می‌کنیم چه پدیده‌هایی در قرآن به عنوان آیه معرفی شده‌اند و آنگاه روی آیاتی بیشتر درنگ و

تأمل می‌کنیم که در آنها همگام با «آیه» خوانده شدن پدیده‌ای طبیعی، بر ویژگی خاصی در آن پدیده تأکید شده است و در واقع، آن ویژگی خاص نیز به همراه آیه خوانده شدن آن پدیده طبیعی معرفی شده است.

۱- در جستجوی «نشانه‌ها» در پدیده‌های طبیعی

قرآن کریم شانزده پدیده از میان همه پدیده‌های طبیعی گزینش می‌کند و با عبارتهایی همچون «وَمِنْ آيَاتِهِ» و یا «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ» به عنوان آیه معرفی می‌کند. اما تکرار توجه دادن به «آیه» بودن این پدیده‌های متنوع به یک اندازه نیست، به آیه بودن برخی بارها و بارها توجه داده شده است و برخی تنها یک یا دو دفعه آیه خوانده شده‌اند. این پدیده‌های طبیعی به ترتیب میزان «تکرار» و توجه دادن قرآن به آیه بودن آنها عبارتند از:

۱-۱) آسمان‌ها و زمین

در بیشتر مواردی که از «آسمان‌ها» یا «زمین» به عنوان «آیه» یاد شده است، این دو پدیده در کنار هم نام برده شده‌اند و به یکدیگر عطف گردیده‌اند و مسئله‌ای مشترک در آنها به عنوان «آیه» معرفی شده است و در مواردی نیز «آسمان‌ها» یا «زمین» به تنهایی آیه دانسته شده است و به آن ویژگی که آنها را به یک آیه بدل ساخته، پرداخته شده است.

آنگاه که آسمان‌ها و زمین با هم به عنوان «آیه» معرفی می‌شوند، همواره آسمان‌ها بر زمین مقدم می‌گردد و زمین در آیه بودن به آسمان عطف می‌شود: ﴿إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (الجاثیه / ۳). در این آیات بر چهار ویژگی زیر در هنگام «آیه» خوانده شدن تأکید می‌شود:

الف) آفرینش آسمان‌ها و زمین

در پنج آیه، خلقت آسمان‌ها و زمین به عنوان «آیه» معرفی می‌شود (ر.ک؛ الشوری / ۲۹؛ الروم / ۲۲؛ العنکبوت / ۴۴؛ البقره / ۱۶۴ و آل عمران / ۱۹۰). در این آیات، اصل آفرینش آسمان‌ها و زمین به عنوان آیه معرفی می‌شوند.

(ب) بر پا ماندن زمین آسمان و زمین

در دو آیه، به بر پا ماندن زمین و آسمان به عنوان یک آیه اشاره شده است و جالب در این است که در هر دو آیه، نظر به «آسمان» نه «آسمان‌ها».

در آیه ۲۵ سوره روم قیام «آسمان و زمین» به عنوان آیه‌ای معرفی شده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ...﴾. مراد از قیام آسمان و زمین به امر خدا، تداوم حالت‌های سکون، حرکت و ... در آن دو است که به ثابت بودن وضعیّت آنها می‌انجامد (ر.ک؛ فرآء، بی‌تا، ج ۲: ۳۲۳؛ ثعالبی: ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۳۱۰؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۱: ۳۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۶۹ و فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸: ۱۲۰). برای درک «آیه» بودن قیام آسمان و زمین، لازم است در منشاء پیدایش این وضعیّت ثابت در آسمان و زمین تفکّر و اندیشه شود: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ...﴾ و در واقع، اگر از صورت آنها گذر شود و اندیشه بدین جا بینجامد که وضعیّت ثابت در آسمان و زمین به امر الهی است، قیام آسمان و زمین برای ما به «آیه» تبدیل می‌شود.

در آیه ۹ سوره سباء از زاویه‌ای دیگر به بر پا ماندن وضعیّت ثابت آسمان و زمین نگریسته می‌شود. در این آیه، قدرت خداوند بر برچیدن این وضعیّت ثابت و مطلوب برای زندگی بشر، «آیه» خوانده شده است: ﴿أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ نَشَأَ نَحْسِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نَسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ﴾. در این آیه، خطاب به کفار گفته می‌شود که آسمان و زمینی که از هر سو آنها را در بر گرفته است، به فرمان خداوند است و اگر او بخواهد زمین آنها را در خود فرومی‌برد و یا قطعه‌ای از آسمان بر سرشان فرومی‌افتد و همان‌گونه خداوند بر حفظ آسمان و زمین قدرت دارد، بر فرو ریختن آسمان و زلزله در زمین نیز قادر است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۳۶۰ و فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۹: ۱۹). در این آیه نیز مانند آیه پیشین برای درک «آیه» بودن وضعیّت ثابت آسمان و زمین باید به این نکته توجه کرد که سررشته این وضعیّت ثابت در دست خداوند است و اگر او بخواهد، می‌تواند به آنی این نظام را برچیند.

ج) آفریده‌ها در آسمان‌ها و زمین

در چهار آیه، آفریده‌های موجود در آسمان‌ها و زمین با تعبیر مختلف^۶ «آیه» معرفی شده‌اند (این آیات عبارتند از: یونس/۶ و ۱۰۱؛ یوسف/۱۰۵ و الجاثیه/۳ (ر.ک؛ سمرقندی: بی تا، ج ۲: ۱۰۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۱۱: ۶۲ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۰: ۱۲۷). به طور کلی، این چهار آیه بیان می‌دارند که «آیه‌ها» و نشانه‌هایی در آسمان‌ها و زمین است، اما بر روی یک یا چند آفریده خاص متمرکز نمی‌شوند و تنها بر وجود آفریده‌ها بدون تأکید بر ویژگی خاصی از آنها توجه داده می‌شود. در نتیجه، می‌توان گفت از یک سو، بر اساس این آیات همه آفریده‌ها در آسمان‌ها و زمین به عنوان «آیه» و نشانه شایسته نیک درنگ کردن و تأمل هستند و از سوی دیگر، در «آیه» بودن، برخی آفریده‌هایی شاخص و برجسته هستند که در آیات دیگر با عنوان «آیه» معرفی شده‌اند و به ویژگی خاصی که آنها را به «آیه» تبدیل کرده، توجه داده شده است. از همین روست که مفسرین در تبیین این آیات مخلوقاتی را نام برده‌اند که در آیات دیگر به عنوان «آیه» معرفی شده‌اند (ر.ک؛ فرآء، بی تا، ج ۲: ۵۵؛ قمی: ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۹۳؛ سمرقندی، بی تا، ج ۲: ۲۱۲؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۱۳: ۵۰ و طوسی، بی تا، ج ۶: ۲۰۳).

د) مسخر بودن آسمان‌ها و زمین

در آیه ۱۳ سوره جاثیه بیان می‌شود که «خداوند» آنچه را در آسمان‌ها و زمین است «و همه از اوست» را برای شما رام کرد و برای مردمی که می‌اندیشند، در این مسئله نشانه‌هایی است: ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾. در این آیه، در واقع، توجه کردن به دو مسئله در کنار یکدیگر به آیه شدن آسمان‌ها و زمین می‌انجامد. این دو عبارتند از: نخست اینکه منشاء مسخر و رام بودن آسمان‌ها و زمین برای ما، خداوند است و دیگر آنکه همه آنچه که در آسمان‌ها و زمین رام و مسخر ماست، از خداوند است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۸: ۱۶۲).

مسخر بودن همه آفریده‌های موجود در آسمان‌ها و زمین برای آدمی به این معنی است که آنها از نظام خاصی پیروی می‌کنند که در نهایت، این نظام به پدید آمدن شرایط مطلوب برای زندگی

بشر و سود بردن او می‌انجامد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق. ج ۱۸: ۱۶۱؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق. ج ۲۰: ۳۱۰). پس اندیشه در این مسئله که منشاء سازواری آفریده‌های موجود در آسمان‌ها و زمین برای زندگی بشر، خداوند است نیز از نشانه‌ها و آیت‌هاست.

همان‌گونه که پیشتر گفته شد، در کنار این آیات که در آنها آسمان‌ها (و یا آسمان) و زمین در کنار یکدیگر به عنوان آیه و نشانه معرفی می‌شود، در شماری از آیات، آسمان‌ها و یا زمین به تنهایی به عنوان آیه معرفی می‌شود. در آیاتی که آسمان‌ها به عنوان آیه معرفی می‌شود، نظر به ساخت و نظام موجود در آنهاست:

ه) ساخت و نظام حاکم بر آسمان‌ها

در آیه دوم سوره رعد آمده است: ﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ﴾.

با توجه به سیاق، مراد از «آیات» در آیه فوق، آیه‌های تکوینی است. برخی از مفسرین مراد از «تفصیل آیات» را «جدا و متمایز کردن آیه‌های تکوینی از یکدیگر» (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق. ج ۱۱: ۲۹۰ و فضل‌الله، ۱۴۱۹ق. ج ۱۳: ۱۷) و برخی آن را «تبیین و توضیح درباره چگونگی آفرینش پدیده‌های طبیعی» دانسته‌اند (ر.ک؛ ابن‌سلیمان، ۴۲۳ق. ج ۲: ۳۶۶؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۲: ۲۱۶؛ ابوالفتوح، ۱۴۰۸ق. ج ۱۱: ۱۷۹ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۱۳). در مجموع، می‌توان گفت توجه به دو نکته، نظام حاکم بر آسمان‌ها را برای ما به «آیه» تبدیل می‌کند که عبارتند از: اول توجه به اینکه استواری این نظم از «خداوند» است: ﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ ...﴾ و دوم، توجه به اینکه ساخت آسمان‌ها و نظامی که بر خورشید و ماه حاکم است و حرکت همه در مدار خود، تا زمان معین ادامه دارد. همچنین در آیه ۳۲ سوره انبیاء آمده است: ﴿وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَفْهًُا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ﴾.

غالب مفسرین مراد از «آیه‌های» آسمان‌ها در تعبیر قرآنی «آیاتها» را خورشید، ماه و ستارگان (ر.ک؛ مقاتل، ۱۴۲۳ق. ج ۳: ۷۷؛ فراء، بی‌تا، ج ۲: ۲۰۱؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۲: ۴۲۵؛ ابن‌ابی‌حاتم،

بی‌تا، ج ۸: ۲۴۵۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۱۹۰ و زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۱۵) می‌دانند و برخی اموری چون حوادث خلل‌گونه‌ای که گاه در آسمان‌ها رخ می‌دهد و منجر به انهدام قسمتی از آن می‌گردد (ر.ک؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۵: ۲۱۹) و یا حوادث جوّی (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۲۸۰) را به عنوان «آیه‌های» آسمان‌ها معرفی کرده‌اند. به نظر می‌رسد از آنجا که قسمت نخست آیه دربارهٔ ساخت و چگونگی آفرینش آسمان‌هاست: ﴿وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا﴾ آیه‌های آسمان‌ها نیز امری در پیوند با ساخت آن باشد؛ یعنی همان وضعیّت نظام‌مند اجرام سماوی. در واقع، در این دو آیه نخست با عبارات ﴿رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾ و ﴿وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا﴾ به آفرینش آسمان‌ها پرداخته می‌شود و آنگاه به مسئلهٔ تفصیل آیات و یا وجود آیاتی در آسمان‌ها مطرح می‌گردد و پیوند این دو موضوع، یعنی «چگونگی ساخت آسمان‌ها» و «وجود آیه در آسمان‌ها» در مجموع می‌تواند اشاره به این نکته داشته باشد که ساخت و نظام حاکم بر آسمان‌ها برای آدمی، «آیه» است. در آیاتی نیز که «زمین» به عنوان «آیه» معرفی شده، مسئلهٔ «ساخت زمین و نعمت‌های موجود در آن» مطرح است.

و) ساخت زمین و نعمت‌های موجود در آن

در شماری از آیات، زمین نقش محور در معرفی «آیه‌های طبیعی» دارد. از میان این آیات، در آیهٔ ۲۰ سورهٔ ذاریات به طور کلی بیان شده که در زمین «آیه‌هایی» وجود دارد: ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ﴾، ولی در آیات دیگر با تفصیل بیشتری دربارهٔ این آیات سخن گفته شده است. در این آیات، «آیه‌های موجود به طور کلی ذیل دو موضوع می‌گنجند:

۱- آیه‌های که در ساخت و آفرینش زمین وجود دارد و شامل گسترده شدن زمین، وجود قطعه‌های کنار هم در زمین و گهواره بودن زمین است (ر.ک؛ الرعد/ ۴-۳ و طه/ ۵۳).

۲- آیه‌هایی که نعمت‌های موجود در زمین وجود دارد و این نعمت‌ها عبارتند از کوه‌ها، نهرها، راه‌ها، رویش دانه‌ها، انواع میوه‌ها به صورت جفت، باغ‌های انگور، کشتزارها، درختان خرما و به طور کلی، گیاهان که خوراک انسان و دام‌های اوست (الرعد/ ۴-۳؛ یس/ ۳۳؛ طه/ ۵۴-۵۳؛ الحديد/ ۱۷؛ الشعراء/ ۸-۷ و فصلت/ ۳۹).

در میان یادکرد نعمت‌هایی که در آنها «آیه‌ها» قابل مشاهده است، تمرکز اساسی و محوری آنها روی «گیاهان» است. گیاهان از آن روی که با آبی که از آسمان می‌ریزد، در گونه‌های مختلف می‌رویند و زمین را پس از مرگ زنده می‌کنند، آیه‌های زمین هستند؛ به عبارت دیگر، «رویش گیاهان از زمین مرده» آیه زمین است.

در مجموع، می‌توان گفت نکات زیر را باید هنگام نگرستن به «آسمان‌ها و زمین» در شب و روز به خاطر آوریم تا این مسئله زمینه‌ای باشد که در وجه آیه بودن آنها درنگ و تأمل کنیم و بتوانیم آیه بودن آنها را به جان دریا بیاوریم.

۱- نگاه و اندیشه به نظام‌مندی آسمان‌ها و ساخت زمین و آسمان که در نهایت، شرایط را برای زندگی بشر مطلوب کرده است.

۲- وجود نعمت‌های گوناگون در آن که در نهایت، آن را مهیای زندگی انسان ساخته است.

۳- درنگ در زنده شدن زمین مرده که خداوند قادر است زمین را پس از مرگ آن زنده کند.

تصور زمین به تنهایی برای آیه بودن آن کافی نیست، بلکه حتی تصور نعمت‌های آن نیز کافی نیست و به تصویر کشیدن اینکه اولاً همه این نعمت‌ها برای آسایش انسان مهیا شده است. ثانیاً کسی که زمین را زنده می‌کند، قادر است انسان مرده را نیز زنده کند: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْكَرَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (فصلت / ۳۹).

۱-۲ گیاهان

در آیات متعددی به گیاهان و پدیده‌های مربوط به آنها به عنوان «آیه» نگریسته شده است و از زوایای مختلف وجود آنها به عنوان «آیه» معرفی شده است. نکته قابل توجه درباره آیه بودن گیاهان این است که هیچ گاه یک درخت یا یک گل یا یک میوه به تنهایی به عنوان «آیه» معرفی نمی‌شود، بلکه یک گیاه با توجه به مجموعه‌ای از پدیده‌ها و حقایق مرتبط با خود، آیه است. برای مثال از منظر قرآن، نگاه کردن به زیبایی‌های یک گیاه مثل گل برای فهم و درک «آیه» بودن آن

کافی نیست، بلکه توجه به اینکه این گیاه به واسطه آبی که از آسمان فروریخته، رشد کرده و بالیده است و زمین را زیبا و آراسته ساخته است و به زودی به شبی یا روزی نابود می‌شود، به گونه‌ای که گویا اصلاً در اینجا نبوده است، این گیاه را برای ما تبدیل به «آیه» می‌سازد. در مجموع، در قرآن کریم همراه با توجه دادن به یک یا چند ویژگی زیر، گیاهان به عنوان «آیه» معرفی شده‌اند:

۱- رویش گیاهان به واسطه آبی که از آسمان فرومی‌ریزد، همراه با تصریح به این نکته که این پدیده نماد زنده کردن مردگان است (ر.ک؛ الأنعام / ۹۹؛ الأعراف / ۵۸؛ یونس / ۲۴؛ النحل / ۱۰-۱۱ و طه / ۵۴-۵۳).

۲- انواع گوناگون گیاهان و میوه‌ها (ر.ک؛ الأنعام / ۹۹؛ الرعد / ۴، النحل / ۱۱ و طه / ۵۴-۵۳).

۳- سیراب شدن گیاهان مختلف که میوه برخی بر دیگری برتری دارد از یک آب واحد (الرعد / ۴).

۴- با وجود نزول باران یکسان تفاوت در رویش گیاهان به واسطه تفاوت در نوع زمین (زمین پاک گیاه بر می‌آورد و زمین ناپاک گیاهش اندک و بی‌فایده است) (الأعراف / ۵۸-۵۷).

۵- جفت بودن گیاهان و میوه‌ها (الشعراء / ۷-۸؛ الرعد / ۳ و طه / ۵۴-۵۳).

۶- طرز به میوه نشستن گیاهان و رسیدن میوه‌ها (ر.ک؛ الأنعام / ۹۹).

۷- استفاده انسان و دام انسان از گیاهان (ر.ک؛ یونس / ۲۴؛ النحل / ۱۱ و طه / ۵۴-۵۳).

۸- نابود شدن ناگهانی زیبایی‌های زمین (گیاهان) به شب یا به روز، در حالی که انسان گمان می‌کند بر آن قدرت دارد (یونس / ۲۴).

همچنین در قرآن کریم در راستای معرفی «گیاهان» به عنوان آیه، نظام حاکم بر آنها به دو امر شبیه شده است:

الف) گاه «نظام حاکم بر رویش گیاهان» - از وزش باد، آمدن ابرهای باران‌زا و دیدن برق گرفته تا زنده شدن زمین مرده و پدید آمدن میوه‌های رنگ‌رنگ - به مسئله زنده شدن مردگان در روز قیامت تشبیه شده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْكَرَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (فصلت / ۳۹ و با همین مضمون در، الأعراف / ۶۷ و ۵۸).

ب) گاه «نظام حاکم بر زوال و نابودی گیاهان» - از رویش، قبل خوردن و زیبا کردن زمین گرفته تا نابودی ناگهانی - مثلی برای زودگذر بودن زندگی دنیا دانسته شده است: ﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (یونس / ۲۴).

توجه به گیاهان با در نظر گرفتن حقایق بالا، آنها را به «آیه» ای برای ما تبدیل می‌کند و وجود این آیات در گیاهان همان آیاتی است که قوم سبأ از توجه به آنها اعراض کردند: ﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ غَفُورٌ * فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ﴾ (سبأ / ۱۶-۱۵).^۷

۳-۱) آبی که از آسمان نازل می‌شود

در شماری از آیات باران با تعبیری «نزول آب از آسمان» مقدمه سخن درباره «آیه» ای است؛ به بیان دیگر، تصور باران به تنهایی توجه به «آیه» محسوب نمی‌شود، بلکه «نزول آب از آسمان» با در نظر گرفتن آثاری که بر جای می‌نهد، آن را تبدیل به «آیه» می‌کند. در برخی آیات (مثلاً: الأنعام/۹۹؛ الأعراف/۵۷؛ یونس/۲۴؛ النحل/۱۱-۱۰ و طه/۵۴-۵۳)، آیه باران به واسطه اثر آن در گیاهان که نماد زنده شدن مردگان است (الأعراف/۵۸) و در سه آیه (ر.ک؛ النحل/۶۵؛ الروم/۲۴ و البقره/۱۶۴) به واسطه اثر آن در زنده کردن زمین مرده و در یک آیه (النحل/۱۰) به واسطه استفاده‌ای که برای نوشیدن انسان دارد، «آیه» شمرده شده است. همچنین در دو آیه (غافر/۱۳ و الجاثیه/۵) - به واسطه اثری که باران در پدید آمدن انواع نعمت‌ها برای انسان دارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۱۵۶) - از نزول باران با تعبیر «نزول رزق از آسمان» یاد شده است و به این مسئله به عنوان «آیه» معرفی شده است.

استفاده آب در نوشیدن و پیدایش روزی برای انسان هر دو به تداوم زندگی و حیات در انسان منجر می‌شود. بدین ترتیب، باید باران را نه یک «آیه» مستقل، بلکه قسمتی از یک «آیه» به شمار آورد؛ آیه‌ای که متشکل از باران و اموری است که باران در آنها اثر می‌گذارد. این آیه حکایت اثر امری آسمانی بر پدیده‌ای زمینی دارد. پدیده‌های زمینی به واسطه باران آسمان زنده می‌شوند یا ادامه حیات آنها ممکن می‌شود. این مجموعه با هم یک «آیه» را تشکیل می‌دهد.

۱-۴) شب و روز

در ده آیه، شب و روز «با هم» ذکر شده است و به عنوان آیه معرفی شده‌اند. در آیه ۳۷ سوره فصلت (آیه سجده) آمده است: «و از نشانه‌های او شب و روز است...» و به طور کلی، بیان شده است که شب و روز نشانه‌ای است و بر توجه کردن به ویژگی خاصی در آنها تأکید نشده است. در دیگر آیاتی که به این «آیه» الهی پرداخته‌اند، هم‌زمان با «آیه» خوانده شدن، ویژگی‌هایی از این دو برشمرده شده است و برجسته گردیده است. این ویژگی‌ها عبارتند از:

الف) اختلاف شب و روز

در چهار آیه (شامل یونس / ۶؛ الجاثیه / ۵؛ البقره / ۱۴۶ و آل عمران / ۱۹۰) در میان برشمردن پدیده‌های طبیعی که در آنها «نشانه‌ای» است، بیان شده است که «فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ» نشانه‌هایی وجود دارد. مفسرین درباره «اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ» آرای متفاوتی بیان کرده‌اند. بسیاری این عبارت را به «پی‌درپی آمدن شب و روز» معنی کرده‌اند (ر.ک؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۵؛ طبری: ۱۴۱۲ق، ج ۱۱: ۶۲؛ طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۳۴۰؛ ابوالفتوح، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰: ۱۰۰؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۲۵ و ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۱۰۶). بدین ترتیب، دیدن شب و روز از آن روی که بدون خلل پشت سر هم می‌آیند و می‌روند، نشانه‌ای است. برخی از مفسرین نیز در بیان معنای «اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ»، «تفاوت شب و روز» در میزان روشنایی و طول مدت را به عنوان یک احتمال تفسیری مطرح کرده‌اند^۱ (ابوالفتوح، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰: ۱۰ و میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۲۵). بر این اساس، تفاوت شب و روز از نظرهای مختلف همچون میزان روشنایی و مدت زمان هر یک، آیه و نشانه‌ای است. علامه طباطبائی اختلاف شب و روز را به معنی کم و زیاد شدن و کوتاه و بلند شدن شب و روز می‌داند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۹۹).

علاوه بر چهار آیه فوق که در آنها «اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ» آیه و نشانه بیان شده، به نظر می‌رسد دو آیه زیر نیز همین معنا را بازگو می‌کنند: ﴿...يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (الرعد/۳) و ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً...﴾ (الأنعام/۱۲).

در این دو آیه نیز شب و روز کنار یکدیگر نام برده شده‌اند. در آیه نخست سخن از این است که تاریکی شب، روشنایی روز را می‌پوشاند (ر.ک؛ ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق.، ج ۲: ۳۶۶) و مانع ادامه یافتن آن می‌شود و در آیه دو، برعکس آن سخن از محو شدن شب و آمدن روز است. برخی از مفسرین این عبارات را به همان آمدوشد شب و روز تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۲: ۲۱۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۱۳: ۶۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۶: ۲۱۵؛ ابوالفتوح، ۱۴۰۸ق.، ج ۱۱: ۱۸۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۳: ۵۱ و فضل‌الله، ۱۴۱۹ق.، ج ۱۴: ۵۳). در مجموع، در این شش آیه، تصوّر شب یا روز به تنهایی آیه نیست، بلکه درنگ و اندیشه در این دو نکته که همواره شب و روز از پی یکدیگر بی هیچ خللی می‌آیند و هر یک از این دو، ویژگی‌هایی خاص خود را دارند، آیه و نشانه‌ای برای ماست و اینها اموری است که آدمی نه در برقراری نظم آن دخالتی دارد و نه توان ایجاد تغییر در آنها دارد.

ب) آرامش شبانه و روشنایی روز

در دو آیه، همراه «آیه» شمرده شدن شب و روز، به مایه آرامش بودن شب و روشن بودن روز «اللَّيْلُ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا» اشاره شده است (یونس / ۶۷ و النمل / ۸۶) و به بیان دیگر، این دو پدیده طبیعی از آن روی «آیه» هستند که شب موجب آرامش و روز روشن است و در واقع، این دو ویژگی، یعنی آرامش شبانه و روشنایی روزانه، ویژگی هستند که سود و منفعت آدمی در آنها نهفته است. جالب اینکه در این دو آیه و نیز آیه ۶۱ سوره غافر - که در آن به مایه آرامش بودن شب و روشنایی در روز اشاره شده است - همواره «آرامش شبانه» بر «روشنایی روز» مقدم است؛ به عبارت دیگر، آرامش شبانه مقدمه‌ای برای استفاده از روشنایی روز است و نیز باید توجه داشت که این سه آیه از پی آیاتی آمده‌اند که به توحید ربوبی خداوند پرداخته‌اند و توجه دادن به آیه بودن

آرامش شبانه و روشنایی روز، در راستای تکمیل سخن درباره توحید ربوبی خداوند است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۹۴ و همان، ج ۱۷: ۳۵۴) و به عبارت دیگر، آرامشی که خداوند در شب قرار داده است و روشنایی که به روز بخشیده است، در راستای وصف ربوبیت خداوند است و این پدیده‌های طبیعی با این نگاه سزاوار اندیشه و درنگ هستند.

ج) تفاوت شب و روز

در آیه ۱۲ سوره اسراء، شب و روز نه «یک» آیه، بلکه «دو» آیه معرفی شده‌اند: ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحْوِنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ...﴾ (الإسراء/۱۲).

این آیه در مقام بیان فرق میان «دو آیه» شب و روز است و با توجه به سیاق، در مقام بیان این نکته است که در عین حال که هم شب و هم روز آیه هستند، آثار یکی از آن دو یعنی شب محو می‌شود و آثار دیگری یعنی روز باقی می‌ماند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۵۱). آیات پیش از این آیه در سیاق توبیخ و ملامت هستند و آیه ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ ...﴾ به منزله جواب استدلالی تقدیری است که ممکن است کسی بخواهد شر را انجام دهد و استدلال کند که چون می‌توانیم هم خیر و هم شر را انجام دهیم، پس جایز است هر یک از این دو را انجام دهیم و این آیه با لحن توبیخ و ملامت می‌فرماید صرف قدرت داشتن بر عمل و صحیح انجام دادن آن، دلیل بر جواز آن نمی‌شود، مگر نمی‌بینید که خداوند شب و روز را دو آیت از آیات خود قرار داد که انسان‌ها در آن شب و روز زندگی کنند و در عین حال آیت شب را محو نمود و موجودات را محکوم کرده که در آن به آسایش پردازند و آیت روز را «مبصر» و وسیله درک و بینایی قرار داد تا در آن، رزق خود را طلب کنند و به وسیله آن، عدد سال‌ها و حساب را در دست داشته باشند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۵۲-۵۳). البته چنان‌که پیشتر آمد، بسیاری از مفسرین این آیه را به «پی‌درپی آمدن شب و روز» تفسیر کرده‌اند.

د) مسخر بودن شب و روز برای ما

در آیه ۱۲ سوره نحل شب و روز مسخر شما هستند و در این مسخر بودن، برای آنان که تعقل می‌کنند، نشانه‌هاست. مسخر آدمی بودن شب و روز و دیگر پدیده‌های طبیعی، مانند خورشید و ماه، به این معنی است که این امور در خدمت منافع انسان هستند و برای او امکان زندگی را فراهم می‌سازند (ر.ک؛ ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۴۰۷؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۲: ۲۴۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۶: ۳۶۶ و ابوالفتوح، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۱۴). بدین ترتیب، شب و روز از آن روی که وجود آنها امکان زندگی مناسب را برای آدمیان فراهم ساخته، آیه و نشانه و نیز شایسته درنگ و اندیشه است.

۱-۵) وجود خود انسان

در سوره‌های فصلت و ذاریات به این نکته اشاره شده است که در وجود آدمی «آیه‌ها» بی‌نهیفته است: ﴿سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ...﴾ به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می‌دهیم... ﴿(فصلت / ۵۳)، ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ * وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (الذاریات/ ۲۱-۲۰). آیات دیگری که در این باره سخن گفته‌اند، مشخص می‌کنند که چه نکاتی در وجود آدمی برای او «آیه» و نشانه است و باید در آنها به عنوان «آیه» اندیشه و درنگ کند. این آیات عبارتند از:

الف) آفرینش انسان

از نگاه قرآن، در «آفرینش» انسان، «آیه‌ها» نهفته است: ﴿وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ و نیز در آفرینش شما و جنبندگانی که (در سراسر زمین) پراکنده ساخته، نشانه‌هایی است برای جمعیتی که اهل یقینند ﴿(الجاثیه / ۴). خود این آفرینش باز از دو منظر «آیه» است: اولاً آفرینش انسان از آن رو «آیه» است که همه انسان‌ها - که نسلی پس از نسل دیگر می‌آیند و می‌روند - از یک تن به وجود آمده‌اند: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ﴾ (الأنعام/ ۹۸). ثانیاً آفرینش انسان از آن رو «آیه» است که همه انسان‌ها که در سراسر جهان پراکنده‌اند، همگی از خاک آفریده شده‌اند: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ﴾ از نشانه‌های او این است که شما را از خاک

آفرید، سپس به‌ناگاه انسان‌هایی شدید و در روی زمین گسترش یافتید! ﴿(الرّوم/۲۰ و نیز، ر.ک؛ غافر/۶۷-۶۹).

ب) اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها

موضوع دیگری که در انسان‌ها «آیه» است، اختلاف آنها در زبان‌ها و رنگ‌هاست: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾ و از آیات او آفرینش آسمان‌ها و زمین، و نیز تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماسست. در این، نشانه‌هایی است برای عالمان! ﴿(الرّوم/۲۲).

در آموزش‌های دینی کمتر به اختلاف انسان‌ها در رنگ و زبان به‌عنوان یک «آیه» پرداخته می‌شود و ما کمتر در این موضوع به‌عنوان یک «آیه» نگاه می‌کنیم و می‌اندیشیم. اما چگونه اختلاف در زبان‌ها و رنگ‌ها، «آیه» است؟ توضیح اینکه آنچه که تا کنون به‌عنوان «آیه» و نشانه می‌شناختیم، دو گونه است: آیات یا حکایت از وجود نظمی در عالم دارند؛ نظمی که در راستای پدید آوردن شرایط مطلوب برای زندگی مطلوب بشر در زمین و یا نشان از قدرت خداوند در زنده کردن مردگان دارند که در صورت نخست، «آیه» دال بر وجود مقام ربوبی یگانه در عالم است و در صورت دوم، آیاتی مانند زنده شدن زمین مرده با باران دال بر امکان معاد و قدرت خداوند بر زنده کردن مردگان است. حال در اختلاف در زبان‌ها و رنگ‌ها چگونه باید بنگریم تا آنها با به‌عنوان یک «آیه» دریابیم؟

در پاسخ می‌توان به دو نکته توجه کرد: اولاً از منظر قرآن کریم، اختلاف و گوناگونی تنها در انسان‌ها آیه نیست، بلکه در هنگام معرفی «گیاهان» و «فرایند تولید عسل» به‌عنوان «آیه» به گونه‌گونی در «رنگ» گیاهان (التحل/۱۳) و رنگ عسل (همان/۶۹) و «تنوع» گونه‌های گیاهی (الأنعام/۹۹، الرّعد/۴ و التحل/۱۰ و ۱۱) نیز توجه شده است و در واقع، می‌توان گفت اختلاف و تنوع در آنها نیز از منظر قرآن از ویژگی‌های دخیل در «آیه» شدن آنها بوده است. ثانیاً برخی بر آن شده‌اند که اختلاف در زبان‌ها و رنگ‌ها وسیله شناخت انسان‌ها از یکدیگر است و از این رو، این پدیده «آیه» است (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ۹۳ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۹۳).

در واقع، این مفسرین اختلاف در زبان‌ها و رنگ‌ها را همسان با قبیله‌قبیله و تیره‌تیره بودن انسان‌ها که وسیله شناخت آنها از یکدیگر است (الحجرات/ ۱۳) پنداشته‌اند و علت آیه بودن را در اثر این تفاوت در شناخت انسان‌ها از یکدیگر دیده‌اند. ثالثاً در آیه چهارم سوره رعد که تفاوت گیاهان در «آیه» خوانده شدن آنها ذکر گردیده، به نکته‌ای اشاره شده است: ﴿وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ وَصِنَوَانٌ وَعَيْرٌ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَّضَلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾.

همه گیاهان با وجود گوناگونی در محصولات و رنگ‌های خود با یک آب سیراب می‌شوند و این مسئله نشان می‌دهد فوق تمام سبب‌ها سببی است که هم ماده عالم را ایجاد کرده است و هم در آن، صورت‌ها و آثار گوناگون و بی‌شماری به کار برده می‌رود و به عبارت دیگر، در این میان، سبب واحدی است دارای شعور و اراده که این اختلاف‌ها، مستند به اراده‌های مختلف اوست و اگر اختلاف اراده‌های او نمی‌بود، هیچ چیزی از هیچ چیز دیگر متمایز نمی‌شد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱: ۲۹۴-۲۹۳). در راستای تلاش برای فهم و درک این «اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها» به عنوان «آیه»، باید گفت به نظر می‌رسد فهم «آیه» بودن این مسئله دشوار است و دشوار بودن آن را به این نکته مستدل می‌کنیم که فهم «آیه» بودن «اختلاف در زبان‌ها و رنگ‌ها» در قرآن کریم به «دانشمندان» اختصاص یافته است: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾.

در قرآن کریم، کلمه «عالم» به شکل مفرد و جمع - به جز سه آیه در همه موارد در باب «خداوند» به کار رفته است (ر.ک؛ الأنعام/ ۷۳؛ الرعد/ ۹؛ السجده/ ۶؛ فاطر/ ۳۸؛ الحشر/ ۲۲؛ التغابن/ ۱۸؛ الجن/ ۲۶؛ التوبه/ ۹۴ و ۱۰۵؛ المؤمنون/ ۹۲؛ السبا/ ۳؛ الجمعة/ ۸؛ الأنبياء/ ۵۱ و ۸۱ و الزمر/ ۴۶) و در این آیه به شکل جمع، یعنی «عالمین»، بر جماعتی از انسان‌ها که قادر به فهم «آیه» بودن «آفرینش آسمان‌ها و زمین» و «اختلاف انسان‌ها در زبان‌ها و رنگ‌ها» هستند، اطلاق شده است و نیز در آیه ۴۳ سوره عنکبوت تعقل در مثل خانه عنکبوت به «عالمان» منحصر شده است: ﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنُضْرِبِهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ و در آیه ۲۸ سوره فاطر خشوع در برابر خداوند به «علماء» منحصر شده است: ﴿وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾. در این آیه نیز سخن از اختلاف انسان‌ها،

حیوانات و چهارپایان در رنگ است^۱. در نهایت، یادآوری می‌شود که در این آیه، دو با «آفرینش آسمان‌ها و زمین» و «اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها» آیه شمرده شده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (الروم/ ۲۲).

ج) شهادت درونی (وجدان)

یکی از چیزهای دیگری که در وجود آدمی به عنوان «آیه» وجود دارد، شهادت درونی او به وجود خداوند است. در دو آیه زیر از این وجدان که در سختی‌ها و دشواری‌ها بیدار می‌شود و خدا را به یاد آدمی می‌اندازد، به عنوان «آیه» یاد شده است: ﴿وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ﴾ (لقمان/ ۳۲) و ﴿وَإِذَا أَدْفَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَّسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ﴾ (یونس/ ۲۱). در این دو آیه، بازگشت انسان به خداوند و توسل او به ذات مقدس الهی در سختی‌ها به عنوان «آیه» ای معرفی شده است که بعد از گذر سختی، مورد انکار و مکر قرار می‌گیرد و فراموش می‌شود.

۱-۶) حیوانات

در شماری از آیات، حیوانات زمینه‌ساز شکل‌گیری «آیه» برای آدمی هستند. در این آیات، چارپایان، پرندگان و زنبور عسل به عنوان «آیه» معرفی می‌شوند.

الف) پراکندن جنبندگان

در قرآن کریم، «پراکنده کردن جنبندگان» در زمین و آسمان از سوی خداوند، «آیه» خوانده شده است (ر.ک؛ الجاثیه/ ۴؛ الشوری/ ۲۹ و البقره/ ۱۶۴).

ب) قرار دادن فواید گوناگون در چهارپایان

بر اساس قرآن کریم، فواید گوناگونی که خداوند در انعام قرار داده است، برای انسان حکم «آیه» دارد (ر.ک؛ غافر/ ۷۹-۸۱ و النحل/ ۵-۱۱) مراد از انعام، «شتر، گاو و گوسفند» است (ر.ک؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۳: ۲۱۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۹۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۸۳۰ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷: ۳۵۵).

فوایدی که از منظر قرآن توجه به آنها برای درک «آیه» بودن چهارپایان ضروری است، عبارت است از: سواری گرفتن از برخی چهارپایان برای رسیدن به بعضی از مقاصد که در سینه داریم، خوردن برخی چهارپایان، شیر ناب آنها، نوشیدنی گوارایی که از میان سرگین و خون تولید شده است و نیز منافع دیگر (ر.ک؛ غافر/ ۷۹-۸۱ و النحل/ ۶۷). تعبیر ﴿جَعَلَ لَكُمُ الْاَنْعَامَ ل...﴾ (غافر/ ۷۹)، به معنی آفریدن و یا مستخر کردن انعام برای انسان است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷: ۳۵۵). بدین ترتیب، مطلوب استفاده و نفع بردن انسان، گردانده شدن چهارپایان از «آیات» الهی است.

ج) پرواز پرندگان

بر اساس آیه ۷۹ سوره نحل، در پرواز پرندگان نیز «آیه‌ها» وجود دارد. برای پی‌بردن به «آیه» بودن آنها بر اساس این آیه باید به دو نکته در پرواز آنها توجه کرد: از پرواز آنها با تعبیر ﴿مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ﴾ یاد شده است؛ بدین معنی که پرواز آنها تابع قوانینی است و آنها نسبت به آن رام و مطیع هستند. نکته دیگر آنکه عامل اصلی امکان پرواز آنها و ماندنشان در آسمان، «خداوند» است: ﴿مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ﴾.

د) خانه‌سازی زنبور عسل، فرایند تولید عسل و شفابخشی عسل

در آیات ۶۸ و ۶۹ سوره نحل سه مسئله «خانه‌سازی زنبور عسل»، «فرایند تولید عسل» و «شفابخشی عسل» به عنوان آیه معرفی شده است: ﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ * ثُمَّ كَلَّمِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلَالًا يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ و

پروردگار تو به زنبور عسل وحی (و الهام غریزی) نمود که: از کوه‌ها و درختان و داربستهایی که مردم می‌سازند، خانه‌هایی برگزین! *سپس از تمام ثمرات (و شیرۀ گلها) بخور و راهایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، به راحتی بپیما! از درون شکم آنها نوشیدنی با رنگ‌های مختلف خارج می‌شود که در آن شفا برای مردم است. به یقین در این امر، نشانهٔ روشنی است برای گروهی که می‌اندیشند ﴿التحل / ۶۸-۶۷﴾.

در این آیات، بر این نکته تأکید شده که زنبور عسل به فرمان الهی خانه‌سازی خود را انجام می‌دهد و در نوشیدن شهد گلها و بردن آن برای تولید عسل، فرمانبردار فرمان الهی است: ﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِمَّا فِى بَيْنِ يَدَيْكَ سُبُلَ رِيبٍ ذُلُلًا﴾ (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۲۹۳). در مجمع‌البیان آمده است: «جمع کلمهٔ «ذلل» است. گفته می‌شود: «إِنَّهُ ذُلُولٌ» یعنی حیوانی که ذلت آن آشکار است و «زَجُلٌ ذُلُولٌ» یعنی مردی که ذلت و خضوع او آشکار است» (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۵۷۱). بدین ترتیب، باید گفت برای فهم «آیه» بودن زنبور عسل باید به این نکته توجه داشت که خانه‌سازی و فرایند تولید عسل را او به فرمان الهی انجام می‌دهد و در انجام فرمان الهی، خضوعی آشکار دارد.

۱-۷) کشتی

کشتی نیز یکی از «آیه»های الهی به شمار می‌رود. از منظر قرآن، توجه به دو نکته در کشتی می‌تواند آن را به «آیه» تبدیل کند:

الف) حرکت کشتی

نکتهٔ مهم این است که «حرکت کشتی» در قرآن کریم نیز با توجه به نکته‌ای دیگر «آیه» محسوب می‌شود و توجه به این نکته است که «حرکت کشتی» را به «آیه» تبدیل می‌کند. این نکته عبارت است از «وجود سبب‌هایی» که منجر به حرکت کشتی می‌شود. در قرآن کریم، این سبب‌ها که یکی از آنها وزش باد است از نعمت‌های الهی خوانده شده‌اند (ر.ک؛ الشوری/ ۳۲ و ۳۳؛ لقمان / ۳۱ و الروم / ۴۶). به نظر می‌رسد در آیهٔ ۳۱ سورهٔ لقمان با تکرار آیه خواندن حرکت کشتی،

بر «آیه» بودن آن تأکید شده است: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِّنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ (لقمان / ۳۱).

ب) سوار شدن بر کشتی

توجه کردن به سود و منفعتی که کشتی برای آدمی دارد نیز کشتی را به «آیه» تبدیل می‌کند. در قرآن کریم به مسئله سوار شدن بر کشتی و حمل کالا و انسان‌ها به وسیله آن (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۷: ۹۱ و همان، ج ۱: ۳۹۹) در هنگام «آیه» خوانده شدن کشتی توجه داده شده است (ر.ک؛ یس / ۴۱؛ غافر / ۸۰ و ۸۱ و البقره / ۱۶۴).

۸-۱) خورشید و ماه

یکی دیگر از پدیده‌های طبیعی که به صورت جفت در قرآن کریم به عنوان «آیه» معرفی شده، خورشید و ماه است و در این «جفت‌آیه»، همواره خورشید مقدم بر ماه یاد شده است. در آیه سجده‌دار سوره فصلت به صورت مطلق و بدون تأکید بر ویژگی خاصی این دو به عنوان «آیه» معرفی می‌شوند (ر.ک؛ الفصلت / ۳۷)، ولی در بقیه آیاتی که این دو به عنوان «آیه» معرفی شده‌اند، توجه ما به دو ویژگی مهم این دو جلب شده است که در واقع، این ویژگی‌ها در «آیه» شدن این دو نقش محوری دارد و آن دو عبارتند از:

الف) منافع خورشید و ماه

در قرآن کریم به منافع مختلف ماه و خورشید برای آدمی اشاره شده است:

۱- مسخر بودن خورشید و ماه

در دو آیه، همراه با «آیه» خوانده شدن خورشید و ماه، به مسخر بودن آنها نیز اشاره شده است (ر.ک؛ النحل / ۱۲ و الرعد / ۲)^{۱۱}. مسخر و رام بودن خورشید و ماه برای آدمی به این معنی است که نظام حاکم بر آن به گونه‌ای است که حاصل آن سود و منفعت‌رسانی این دو به انسان می‌گردد (ر.ک؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق.، ج ۱۳: ۲۰۳).

۲- نورافشانی خورشید و درخشش ماه

در آیه پنجم سوره یونس به همراه با آیه خوانده شدن خورشید و ماه به مسئله «نورافشانی خورشید و درخشش ماه» اشاره شده است: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا...﴾ (یونس/۵).

۳- استفاده از ماه در شمارش سال‌ها و حساب

همچنین در آیه پنجم سوره یونس به ویژگی دیگری که این خورشید و ماه را به «آیه» تبدیل کرده، اشاره می‌شود و این ویژگی این است که ماه هر شب در جایی خاص و متفاوت با جایگاه شب پیش خود در آسمان قرار می‌گیرد و این امر به انسان کمک می‌کند که با توجه به آن شمار سال‌ها و حساب را بداند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۱۲).

(ب) نظم حاکم بر خورشید و ماه

در دو آیه می‌توان نشانی از همراهی «آیه» خوانده شدن خورشید و ماه و نیز توجه دادن به نظم حاکم بر آن دو را یافت. در آیه پنجم سوره یونس، تعبیر ﴿وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ...﴾ حاکی از نظام‌مندی حرکت خورشید و ماه است. وجود منازل مختلف برای ماه به این نکته اشاره دارد که ماه هر روز از خورشید دور می‌شود تا آنکه پس از گذر یک ماه قمری، از سوی دیگر دوباره به خورشید رسد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۱۲) و این امر نماد وجود نظم در حرکت خورشید و ماه است. همچنین در آیه دو سوره رعد سخن از این است که خورشید و ماه مسخر و رام هستند و تا مدتی خاص در مدار خود می‌چرخند و آیه ﴿... وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى...﴾ نیز بیانی از این حقیقت است که حرکت این دو، نظام‌مند و تحت قانون ثابتی و در دست قدرت خداوند است (ر.ک؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳: ۱۷).

۹-۱) بادها

از نظر قرآن کریم، بادها نیز از «آیه»های الهی به شمار می‌روند. در هنگام آیه خوانده شدن بادها (الرياح) به دو نکته درباره آنها توجه داده شده است:

الف) گرداندن بادهای از سوئی به سوی دگر

در دو آیه، «تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ» به عنوان «آیه» معرفی شده است (ر.ک؛ الجاثیه/ ۵ و البقره/ ۱۶۴). مراد از «تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ» گرداندن بادهای از این سو به آن سو و فرستادنش از سوئی به سوئی دیگر است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۰۴ و همان، ج ۱۸: ۱۵۷؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۱۴۶ و مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶: ۲۳۲).

ب) اثر بادهای در حمل ابرهای باران‌زا و کشتی‌ها و...

در آیه ۴۶ سوره روم فروفرستادن بادهای بشارت‌آور که از یک سو، نوید رحمت الهی مثل ریزش باران و تلقیح گیاهان و ... می‌دهند و از سوی دیگر، خبر حرکت کشتی می‌آورند، به عنوان آیه معرفی شده‌اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۹۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸: ۱۵۳). آیات ۳۲ و ۳۳ سوره شوری و آیات ۵۷ و ۵۸ سوره اعراف نیز همین معنا را به ذهن می‌رسانند (ر.ک؛ ابن‌سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۴۳ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۶۱).

۱۰-۱) رزق و روزی

در آیات قرآن، توجه به رزق و روزی از دو زاویه به عنوان «آیه» معرفی شده است:

الف) گشادی و تنگی رزق و روزی

در دو آیه (ر.ک؛ الروم/ ۳۷ و الزمر/ ۵۲) گشادی و تنگی رزق و روزی که به دست خداوند است، از جمله آیات شمرده شده است: ﴿أُولَئِكَ يَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (الروم/ ۳۷) و ﴿أُولَئِكَ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (الزمر/ ۵۲).

در این آیات، این مسئله که گشادی و تنگی روزی تنها منوط به کوشش و کاردانی انسان نیست، بلکه تحت تأثیر اسبابی غیرتصادفی است، از آیات الهی شمرده شده است. در واقع، توجه به این نکته که سررشته اسباب تقسیم روزی در دست آدمی نیست، بلکه تقسیم رزق و روزی تحت تأثیر «نظامی» است و روزی در این نظام به «مشیت مجری این نظام» یعنی خداوند بلندمرتبه

تقسیم می‌شود، برای مؤمنین آیه‌ای از آیات الهی را پدید می‌آورد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷: ۲۷۵ و فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۹: ۳۴۸). در آیه ۶۳ سوره زمر^{۱۲} نیز به دلیل پیوند دو موضوع آیات الهی و تقسیم رزق و روزی می‌توان پیوند بین مفهوم آیه و مسئله تقسیم رزق و روزی را دریافت کرد (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۹: ۳۲۱). البته باید گفت که در این آیه مسئله تقسیم روزی مستقیماً از آیات الهی شمرده نشده است.

ب) جستجوی روزی

در آیه ۲۳ سوره روم ﴿ابْتَغَاوْكُمْ مِّنْ فَضْلِهِ﴾ از آیات الهی برشمرده شده است. فضل به معنای زیادتر از مقدار مشخص مورد نیاز است^{۱۳} (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۶۷ و مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۱۰۶) و مراد از این کلمه در این آیه شریفه «رزق و روزی» است (ر.ک؛ ابن‌سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ۴۱۱؛ سمرقندی: بی‌تا، ج ۳: ۹؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱: ۲۲؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۴۲۰). بدین ترتیب، جستجوی آدمی از رزق و روزی که از سوی خداوند به او می‌رسد (فضله)، آیه‌ای از آیات الهی است.

۱۱-۱) خواب و بیداری

در سوره روم علاوه بر جستجوی روزی، خواب در شب و روز^{۱۴} به عنوان آیه معرفی شده است و جالب اینجاست که در این آیه کلمه «آیات» در آغاز و پایان آیه تکرار شده است: ﴿وَمِنَ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ﴾ (الروم/ ۲۳). در واقع، با این تکرار به نوعی بر «آیه» بودن این دو پدیده تأکید شده است. در آیه ۴۲ سوره زمر خواب از زاویه‌ای دیگر به عنوان آیه معرفی شده است: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (الزمر/ ۴۲).

در این آیه، خواب از آن جهت که شبیه مرگ است، آیه‌ای از آیات الهی است. بر اساس این آیه، مردم متفکر از خوابیدن و نیز مردن متوجه می‌شوند که مدبر امر زندگی و ممات انسان تنها خداوند است و آدمی در مقابل اراده الهی هیچ توانی ندارد و همه ناگزیر روزی به سوی خدا برمی‌گردند و

خداوند به حساب اعمال آنها رسیدگی می‌کند (ر.ک؛ ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ۶۷۹؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۴: ۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷: ۲۶۹ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۷۹).

۱-۱۲) ستارگان

در قرآن کریم، در دو آیه به «آیه» بودن ستارگان اشاره شده است و در این دو آیه، به دو نکته در آیه شدن ستارگان برای آدمی توجه داده شده است:

الف) مسخر بودن ستارگان

در سوره نحل آمده است: ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (النحل/۱۲).

در این آیه، ستارگان از آن روی که نسبت به اذن و اراده الهی فرمانبردارند (ر.ک؛ سمرقندی، بی تا، ج ۲: ۲۶۸) و یا به این علت که به واسطه اراده الهی مسخر آدمی هستند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴: ۶۰ و ابوالفتوح، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۱۴) به عنوان «آیه» معرفی شده‌اند.

ب) هدایت‌گری ستارگان

در سوره انعام آمده است: ﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (الأنعام/۹۷). در این آیه، یکی از هدف‌های آفرینش و به حرکت در آوردن اجرام بزرگ آسمانی، هدایت شدن انسان در تاریکی خشکی و دریا معرفی شده است و از رهگذر توجه دادن به این فایده، ستارگان برای قومی که می‌اندیشند، به عنوان آیه معرفی شده‌اند^{۱۵}؛ به بیان دیگر، توجه به فایده‌ای که اجرام بزرگ آسمانی در زندگی ما دارند و آن راهنمایی در تاریکی خشکی و دریاست، آنها را به عنوان «آیه» برای ما در می‌آورد. در تفاسیر روایی، مراد از ستارگان هدایت‌گر ائمه اطهار^(ع) معرفی شده‌اند (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۱۲).

۱-۱۳) ابر

در سوره بقره، آفرینش ابر فرمانبردار بین زمین و آسمان به عنوان «آیه» معرفی شده است:
﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (البقره/ ۱۶۴).

در آیات ۵۷ و ۵۸ سوره اعراف نیز مجموعه فرستادن باد و حرکت دادن «ابر پرباران» به سوی سرزمین‌های مرده و فرو ریختن باران از آن و سر برآوردن میوه‌های گوناگون از زمین مرده و تفاوت بین محصول زمین پاک و زمین ناپاک به عنوان آیه معرفی شده است.

۱-۱۴) برق

در سوره روم «برقی» که سبب بیم و امید است و از پس آن آب از آسمان فرو می‌ریزد و زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند، به عنوان «آیه» معرفی شده است: **﴿وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾** (الروم/ ۲۴). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این آیه نیز با تکرار کلمه «آیات» بر «آیه» بودن این پدیده‌ها تأکید شده است.

۱-۱۵) لباس

در سوره اعراف فرو فرستاده شدن لباس که سبب پوشیدن زشتی‌های آدمی و زینتی برای اوست، به عنوان آیه معرفی شده است: **﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾** (الأعراف/ ۲۶). خطاب در این آیه به همه بنی آدم است و آیه بودن آن به گروهی همچون کسانی که پند می‌گیرند: **﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ﴾** (النحل/ ۱۳) و یا می‌شنوند: **﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ﴾** و یا مؤمنین: **﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾** اختصاص ندارد.

۱-۱۶) همسر

مسئله دیگری که آیه ۲۱ سوره روم به عنوان «آیه» معرفی شده، «همسر» است. از آن روی که همسر از خود آدمی و به تعبیر قرآن، از نفس او «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» برای او «لَكُمْ» آفریده شده است و سبب آرامش می‌شود و خداوند بین او و آدمی مودت و رحمت نهاده، «آیه» است. در این آیه نیز با تکرار واژه «آیات» در ابتدا و انتهای آیه به «آیه» بودن همسر تأکید شده است و درک آیه بودن آن به گروهی که می‌اندیشند، اختصاص یافته است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ و در این آیه، برای آیه خوانده شدن «همسر» به نفعی که او برای آدمی دارد، توجه داده شده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۶۶).

نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری از مطالب بالا می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

الف) «آیه» خوانده شدن پدیده‌های مختلف دو گونه است: در شمار اندکی از آیات پدیده‌های طبیعی به طور کلی به عنوان «آیه» معرفی شده‌اند و به ویژگی خاصی در آنها توجه داده نشده است؛ مانند آیه ۳ سوره جاثیه که می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾، ولی در بسیاری از آیات با برجسته کردن نکته‌ای خاص در مورد پدیده‌ای، آن پدیده به عنوان «آیه» معرفی می‌شود. همچنین نکاتی که توجه به آنها بر اساس قرآن در درک «آیه» بودن پدیده‌های طبیعی مؤثر است، خود نیز دو گونه‌اند. در شماری از آیات به «آفرینش» پدیده برای درک «آیه» بودن آن توجه داده شده است؛ مانند آیاتی که در ذیل بحث آفرینش آسمان‌ها و زمین و نیز آفرینش انسان آمد، ولی در بسیاری از آیات توجه به «ارتباط» پدیده با امور دیگر برای درک «آیه» بودن آن به تصویر کشیده شده است. برای مثال آبی که از آسمان فرو می‌ریزد، به تنهایی «آیه» نیست، بلکه با تصوّر آن در یک مجموعه و ارتباط این پدیده با امور دیگر، تبدیل به «آیه» می‌شود. توجه به آبی که از آسمان فرو می‌ریزد، با در نظر گرفتن این نکته که سبب رویش می‌شود و ... برای ما تبدیل به «آیه» می‌گردد.

ب) در مجموع، توجه به سه شکل ارتباط، پدیده‌ها را به «آیه» تبدیل می‌کند:

۱- توجه به رابطه علی و معلولی: در بسیاری از آیات، نظام علی و معلولی که بین پدیده‌ها و امور مختلف وجود دارد، برای توجه دادن به «آیه» بودن پدیده‌ای به تصویر کشیده شده است. در اینجا مناسب است جایگاه نظام علت و معلول در اندیشه فلاسفه مسلمان پس از ملاحظه آن را به خاطر آوریم. در اندیشه آنان، «معلول» چیزی جز «حقیقت نمادین» نیست. نگاه حکمت متعالیه به رابطه بین علت و معلول نقطه اوج فلسفه و پیونددهنده فلسفه با عرفان است و حاصل آن، نفی تشکیک در اصل وجود، بلکه نفی دوگانگی در «بود» است. همه چیز به دامن آن «بود» واحد ارجاع داده می‌شود، چندان که برای غیرچیزی جز «آیت» و «نماد» باقی نمی‌ماند (ر.ک؛ پارسا، ۱۳۷۳: ۲۲-۲۱).

۲- توجه به اینکه سررشته نظام علت و معلولی به دست خداوند است. در شمار فراوانی از آیات با تعبیر مختلف همراه با «آیه» خوانده شدن پدیده‌ای بر این نکته تأکید می‌شود که این نظام را خداوند به وجود آورده است و همه در دست خداوند است. برای مثال، همه آیاتی که در کنار «آیه» خوانده شدن پدیده‌ای به فرمانبردار و رام بودن آن برای خداوند توجه داده شده است و یا در آیه ۷۹ سوره نمل در معرفی پرواز پرندگان به عنوان «آیه»، علاوه بر بیان مسخر بود آنها، تعبیر ﴿مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ﴾ آمده است و یا آیه ۹۹ سوره انعام که مجموعه ریزش باران و آثار آن را به عنوان «آیه» معرفی می‌کند، با عبارت ﴿هُوَ الَّذِي...﴾ آغاز می‌شود و پیشتر بدین نکته در ذیل آیاتی که بر این موضوع تأکید دارند، اشاره شد.

۳- توجه بدین نکته لازم است که نظام علت و معلولی به گونه‌ای طراحی شده که نهایتاً به سود و منفعت آدمی بینجامد. در شمار فراوانی از آیات، سود و منفعت پدیده‌ای در راستای «آیه» خوانده شدن آن مطرح شده است. برای مثال در آیاتی که شب و روز، خورشید و ماه، ستارگان، همسر و ... به عنوان «آیه» معرفی شده‌اند، این مسئله دیده می‌شود و به این نکته نیز در ذیل آیات مربوطه اشاره شد. در این راستا باید گفت در قرآن کریم، «زیان» هیچ پدیده‌ای در هنگام معرفی پدیده به عنوان «آیه» بیان نشده است و به طور کلی، پدیده‌ای با لحاظ زیان‌رسانی و یا خالی بودنش از فایده برای آدمی، «آیه» نیست.

۴- توجه به این نکته که نظام حاکم بر برخی پدیده‌ها که به عنوان «آیه» معرفی شده‌اند، نمادی از یک حقیقت هستند. در قرآن کریم، نظام حاکم بر رویش گیاهان از زمین مرده، نماد زنده کردن مردگان در قیامت و نظام حاکم بر رویش و به ثمر نشستن و نهایتاً نابودی گیاهان، نماد زودگذری زندگی دنیا معرفی شده است.

ج) در قرآن کریم، برخی پدیده‌ها مکرراً به عنوان «آیه» معرفی شده‌اند و به «آیه» بودن برخی دیگر تنها یک یا دو بار اشاره شده است. فراوانی آیه شمرده شدن موضوعات مختلف در جدول زیر نشان داده شده است:

شماره	پدیده‌های طبیعی	تعداد آیات	شماره	پدیده‌های طبیعی	تعداد آیات
۱	آسمان‌ها و زمین	۲۲	۹	بادها	۳
۲	گیاهان	۱۱	۱۰	رزق و روزی	۳
۳	آبی که از آسمان نازل می‌شود	۱۰	۱۱	خواب و بیداری	۲
۴	شب و روز	۱۰	۱۲	ستارگان	۲
۵	وجود خود انسان	۸	۱۳	ابر	۱
۶	حیوانات	۷	۱۴	برق	۱
۷	کشتی	۶	۱۵	لباس	۱
۸	خورشید و ماه	۴	۱۶	همسر	۱

د) گاه در یک آیه یک پدیده دو بار به عنوان «آیه» معرفی شده است. این پدیده‌ها عبارتند از: آرامش‌بخشی همسر و وجود مودت و رحمت بین او و آدمی، خواب در شب و روز و جستجوی روزی، برق بیم و امیدانگیز، نزول آب از آسمان که زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند و حرکت کشتی در دریا به سبب نعمت الهی (به ترتیب در: الروم/ ۲۱، ۲۳ و ۲۴ و لقمان/ ۳۱).

ه) در شمار فراوانی از آیاتی که در آنها پدیده‌ای به عنوان آیه معرفی شده است؛ واژگانی که به نوعی با آسمان در پیوند هستند، دیده می‌شود؛ کلماتی مانند سموات، سماء، مشتقات ریشه نزل،

ستارگان، ماه و خورشید و ... بدین ترتیب، می‌توان گفت مفهوم «آیه» در قرآن به هنگام معرفی پدیده‌ای طبیعی به عنوان «آیه» در پیوندی تنگاتنگ با مفاهیم مربوط به آسمان است.

پی‌نوشت

- ۱- قال رسول الله (ص): «أوتيتُ/ أعطيتُ جوامعُ الكلمِ» (ابن‌شعبه، بی‌تا، ج ۲: ۳۱۰؛ ابن‌حنبل، بی‌تا، ج ۲: ۲۵۰، ۴۱۲ و ۴۴۲؛ ابن‌الحجاج النیشابوری، بی‌تا، ج ۲: ۶۴؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق. ج ۳: ۵۶؛ نسائی، ۱۳۴۸ق. ج ۲: ۲۳۹؛ صدوق، ۱۴۱۷ق. ج ۲: ۲۸۵؛ همان، ۱۴۰۳ق. ج ۲: ۲۹۲ و همان، بی‌تا، ج ۱: ۲۴۱).
- ۲- این واژه با شمارش در المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، محمدفؤاد عبدالباقی: ۱۰۳ و ۱۰۸ و نیز با شمارش‌گری نرم‌افزار جامع‌التفسیر در مجموع ۳۸۲ بار در ۳۵۳ آیه آمده است. این میزان بیش از تکرار مشتقات ریشه‌هایی همچون عمل (۳۶۰ بار)، هدی (۳۱۶ بار)، ظلم (۳۱۵ بار)، نزل (۲۹۳ بار)، ذکر (۲۹۲ بار)، حق (۲۸۲ بار) و ... بر پایه شمارش‌گری نرم‌افزار جامع‌التفسیر است.
- ۳- وی دو معنی «عبرت» و «علامت» را برای آن بیان کرده است (ابن‌سلیمان، ۱۴۲۷ق. ج ۱: ۱۲۸ و ۱۲۹).
- ۴- دروزه و نکونام سوره قلم را سومین سوره و سوره مدثر را پنجمین سوره نازل شده می‌دانند. ملاً حویش، رامیار و معرفت سوره قلم را دومین سوره و سوره مدثر را چهارمین سوره نازل شده می‌دانند (ر.ک؛ دروزه، ۱۳۸۳ق. ج ۱: ۱۵؛ نکونام، ۱۳۸۰: ۳۰۳؛ ملاً حویش، ۱۳۸۲ق. ج ۱: ۷۵ و ۱۰۲؛ رامیار، ۱۳۷۹: ۶۱ و معرفت، ۱۳۸۱: ۵۱). در هیچ یک از سوره‌هایی که قبل از سوره قلم و مدثر نازل شده است، کلمه «آیه» و یا «آیات» نیامده است و بدین ترتیب، در این سوره‌ها نخستین بار کلمه «آیات» در کلام الهی به کار برده شده است.
- ۵- تفاوت معجزه با آیه و بینه در آن است که معجزه به معنی «ناتوان ساختن و از پای در آوردن» است، اما آیه و بینه به معنی «نشان و دلیل» است و هدف از ارائه آنها «از پای در آوردن» نیست، بلکه مقصود، عرضه شاهد، ارائه گواهی بر صدق نبوت، دلالت افراد به ذوالآیه و هدایت آنها به عبادت حق تعالی است (ر.ک؛ پهلوان، ۱۳۸۲: ۱۱).
- ۶- ﴿إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ﴾ (یونس/ ۶)؛ ﴿قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (یونس/ ۱۰۱)؛ ﴿وَكَأَيِّن مِّن آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ﴾ (یوسف/ ۱۰۵) و ﴿إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (الجاثیه/ ۳).

۷- «قطعاً برای [مردم] سباً در محلّ سکونت آنان نشانه [ای رحمتی] بود: دو باغستان از راست و چپ. [به آنان گفتیم:] از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده. * پس روی گردانیدند و بر آن سیل [سدّ] عَرم را روانه کردیم و دو باغستان آنها را به دو باغ که میوه‌های تلخ و شور گز و نوعی از کُنارِ تُنک داشت، تبدیل کردیم».

۸- در این ایه با تکرار آیه خواندن زنده شدن مردگان به واسطه آبی که از آسمان فرو می‌ریزد بر آیه بودن آن تاکید شده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ بُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (الرّوم/ ۲۴).

۹- روایتی از امام صادق (ع) که در آن مفضل را به اندیشه در مدت شب و روز دعوت می‌نمایند با این تفسیر هم راستا است. امام صادق (ع) می‌فرماید: فکر یا مفضل فی مقادیر النهار و اللیل کیف وقعت علی ما فیه صلاح هذا الخلق ... (مفضل: ۱۴۰۴ ق، ۸۶)

۱۰- علاوه بر این سه آیه، کلمه «عالمین» در آیه ﴿قَالُوا أَضْغَاتٌ أْحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ﴾ (یوسف/ ۴۴) درباره غیر خداوند به کار رفته است که البته سیاق آن در نفی علم از انسان است.

۱۱- در سوره نحل تصریح شده که این دو مسخّر و رام «آدمی» هستند: ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ...﴾، ولی در سوره رعد، پس از اشاره به این نکته که خداوند آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی برافراشت که دیده شود و بر عرش (فرمانروایی جهان) استیلا یافت، مسئله مسخّر بودن خورشید و ماه به طور کلی مطرح می‌شود.

۱۲- ﴿لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (الزمر/ ۶۳)؛ ﴿كَذَلِكَ يُؤْفِكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ * اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (غافر/ ۶۴-۶۳).

۱۳- «هُوَ الزَّيَادَةُ عَلَى مَا هُوَ اللَّازِمُ الْمُقَرَّرُ، لَا مُطْلَقًا» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۱۰۶).

۱۴- برخی از مفسرین بهتر می‌دانند که در این آیه، صنعت «لف و نشر» در نظر گرفته شود و بر این اساس، خواب در شب و جستجوی روزی در روز از آیات الهی است (ر.ک؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳: ۴۲۰ و زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳: ۴۷۳).

۱۵- در این آیه، مراد از تفصیل آیات یا تفصیل به حسب تکوین و خلقت است و یا تفصیل به حسب بیان لفظی است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۷: ۲۸۸). اگر مراد تفصیل به حسب تکوین و خلقت باشد، در این آیه، ستارگان هدایت‌گر از جمله آیات الهی شمرده شده‌اند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن ابی حاتم الرازی، محمد بن ادريس. (بی‌تا). *تفسیر ابن ابی حاتم*. صیدا: المكتبة العصرية.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن. (۱۴۲۲ق.). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. تحقیق عبدالرزاق المهدی. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن الحجّاج النیشابوری، مسلم. (بی‌تا). *صحیح مسلم*. بیروت: دار الفکر.
- ابن حنبل، احمد. (بی‌تا). *مسند احمد*. بیروت: دار صادر.
- ابن شعبه، سعید بن منصور. (بی‌تا). *سنن سعید بن منصور*. تحقیق حبیب الرحمن الأعظمی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی‌تا). *التحریر و التّنویر*. بی‌جا: بی‌نا.
- ابن عطیة آندلسی، عبدالحق بن غالب. (بی‌تا). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*. تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد. بیروت: بی‌نا.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق.). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- پارسا، حمید. (۱۳۷۳). *نماد و اسطوره*. با مقدمه آیت‌الله جوادی آملی. قم: مرکز نشر اسراء.
- پل، نويا. (۱۳۷۳). *تفسیر قرآنی و زبان عرفانی*. ترجمه اسماعیل سعادت. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پهلوان، منصور. (۱۳۸۲). «تحقیق در وجه اعجاز قرآن». *سفینه*. شماره ۱. صص ۷-۱۵.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ق.). *سنن الترمذی*. تحقیق عبدالرحمن محمد عثمان. بیروت: دار الفکر.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ق.). *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*. تحقیق محمدعلی معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- دروزه، محمد عزة. (۱۳۸۳ق.). *التفسیر الحدیث*. القاهرة: دار إحياء الكتب العربية.

- راميار، محمود. (١٣٧٩). *تاريخ قرآن كريم*. چاپ چهارم. تهران: امير كبير.
- زمخشري، محمود. (١٤٠٧ ق.). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*. بيروت: دار الكتاب العربي.
- سمرقندی، نصرين محمد. (بی تا). *بحر العلوم*. بی جا: بی نا.
- شاذلی، سید بن قطب. (١٤١٢ ق.). *فی ظلال القرآن*. چاپ هفدهم. بیروت - القاهرة: دار الشروق.
- صدوق، محمد بن علی. (١٤١٧ ق.). *الأمالی*. تحقیق مؤسسه البعثة. قم: مركز الطباعة والنشر فی مؤسسه البعثة.
- _____ . (١٤٠٣ ق.). *الخصال*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- _____ . (بی تا). *من لا يحضره الفقيه*. چاپ دوم. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- طباطبائی، محمدحسین. (بی تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (١٣٧٢). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (١٤١٢ ق.). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق احمد قصیر عاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عبدالباقی، محمدفؤاد. (١٣٦٣ ق.). *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*. القاهرة: دار الحديث.
- فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر. (١٤٢٠ ق.). *مفاتیح الغیب*. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراء، یحیی بن زیاد. (بی تا). *معانی القرآن*. تحقیق احمد یوسف نجاتی، محمدعلی نجار و عبدالفتاح اسماعیل شلبی. مصر: دارالمصریة للتألیف و الترجمة.
- فضل الله، محمدحسین. (١٤١٩ ق.). *تفسیر من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- قاسمی، محمد جمال الدین. (١٤١٨ ق.). *محاسن التأویل*. تحقیق محمد باسل عیون السؤد. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- قرشی، علی اکبر. (١٣٧٧). *تفسیر أحسن الحدیث*. چاپ سوم. تهران: بنیاد بعثت.
- قمی، علی بن ابراهیم. (١٣٦٧). *تفسیر القمی*. تحقیق طیب موسوی جزایری. چاپ چهارم. قم: دار الکتب.
- مصطفوی، حسن. (١٣٦٠). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۱). *تاریخ قرآن*. چاپ چهارم. تهران: سمت.
- جعفی، مفضل بن عمر. (۱۴۰۴ ق.). *التَّوْحِيد*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ابن سلیمان، مقاتل. (۱۴۲۷ ق.). *الوجوه والنظائر فی القرآن العظیم*. تحقیق حاتم صالح الضامن. دبی: مرکز جمعة الماجد للثقافة والتراث.
- _____ . (۱۴۲۳ ق.). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. تحقیق عبدالله محمود شحاته. بیروت: دار إحياء التراث.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- ملا حویش، عبدالقادر. (۱۳۸۲ ق.). *بیان المعانی*. دمشق: مطبعة الترقی.
- موسوی بجنوردی، محمدکاظم. (۱۳۶۷). *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- میبدی، احمد بن ابی‌سعد. (۱۳۷۱). *کشف‌الأسرار و عدّه‌الأبرار*. تحقیق علی اصغر حکمت. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نجفیان، آرزو، حیات عامری و صدیقه قیومی. (۱۳۸۹). «نگاهی نشانه‌شناختی به واژه آیه در قرآن کریم». *نقد ادبی*. سال ۳. شماره ۱۰. صص ۲۰۴-۱۷۵.
- نسائی، احمد بن شعیب. (۱۳۴۸ ق.). *سنن نسائی*. بیروت: دار الفکر.
- نکونام، جعفر. (۱۳۸۰). *درآمدی بر تاریخ قرآن*. تهران: نشر هستی‌نما.